



مقوقدان جناب محمد ولی

در مورد روابط دیپلماتیک و قونسل‌های میان دولتها

با قبولی مناسبات قونسل‌های میان افغانستان و ایران و افغانستان و ترکیه غوغای مطبوعاتی در رسانه‌ها برپا شد، برخی اداره کنندگان میزهای بحث تلویزیونی بدون آگاهی لازم از کنوانسیون‌های بین‌المللی در امور دیپلماتیک و قونسل‌های (کنوانسیون سال ۱۹۶۱ وینا در باره روابط دیپلماتیک و کنوانسیون سال ۱۹۶۳ وینا در مورد روابط قونسل‌های) و نیز عده‌ای از تحلیلگران کمتر آگاه از این دو میثاق بر طبق میل خود و یا طبق تفکر سیاسی گروه مربوطه روی این موضوع سخنرانی کردند.

حالت بد این است که هر تحلیلگر و هر پیشبرنده میز بحث تلویزیونی روی اصول و موازین دیپلماتیک و حقوق بین‌الملل عمومی اتکا نکرده نظر شخصی یا گروهی اش را جانشین میثاق‌های با ارزش جهانی میسازند. این حالت شامل حال تحلیلگران امارت اسلامی نیز است مثلاً روی سه نکته (حاکمیت، نفوس و ساحه) اتکا کرده انرا برای برسمیت‌شناسی کافی میدانند در حالیکه از لحاظ اصول قبول شده حقوق بین‌الملل عمومی و منشور سازمان ملل متحد این سه اصل ضروری است اما کافی نیست، مشروعیت، قانونیت، رضایت، باور و استمرار نیز از جمله شرایط برسمیت‌شناسی قبول شده است که تاسیس روابط دیپلماتیک بر همین مبادی صورت میگیرد، اما بعضاً قدرتهای بزرگ بدون در نظر داشت این موازین به اعزام سفیر نزد گروه‌های جنگی اقدام کرده اند مانند فرستادن پیتر تامسن بحیث سفیر سیار امریکا نزد مجاهدین در پاکستان، در حالیکه مجاهدین نه ساحه تحت حاکمیت داشتند، نه نفوس و نه حاکمیت.

اما در مورد ایجاد مناسبات دیپلماتیک و قونسل‌های طور بسیار فشرده:

-- برای تاسیس روابط دیپلماتیک کدام نورم یا قاعده اجباری در حقوق بین‌الملل عمومی وجود ندارد بلکه این تاسیس بر بنیاد اراده و حاکمیت دو طرف صورت میگیرد. ماده دوم میثاق ۱۹۶۱ وینا مشعر است: "تاسیس مناسبات سیاسی بین دول و اعزام هیئتهای سیاسی دایمی به اساس موافقت متقابل صورت میگیرد".

-- شناخت دول در برقراری مناسبات دیپلماتیک لازم است اما به تنهایی نمیتواند باعث ایجاد این روابط گردد.

-- تاسیس روابط دیپلماتیک با تاسیس نمایندگی‌ها یا هیئتهای دایمی دیپلماتیک فرق دارد.

پروفیسور چکی بنام (منسن) در کتاب "حقوق دیپلماسی" این اصل را متذکر شده میگوید ممکن دولتها بین هم روابط قایم کنند ولی ضرور نمی‌پندارند که هیئتها و نمایندگی‌های دایمی بین هم برقرار سازند که عامل ان میتواند معضلات مالی یا کمبود پرسونل دیپلماتیک باشد.

-- ماده هشتم کنوانسیون سال ۱۹۶۱ وینا مشعر است "اعضای پرسونل سیاسی هیئت اساساً باید تبعه دولت فرستنده باشد."

انتهای که خود را افغان نگفته نام رسمی ثبت شده کشور شانرا در ملل متحد قبول ندارند تبعه کجا بوده میتوانند که بخواهند در پست های دپلماتیک کشور متوقف فیها باقی بمانند.

در مورد قونسلها :

حقوق قونسلی مجموعه قواعدیست که روابط بین دولتها را در ساحه معین و عرصه های خاص تنظیم میکند مثلاً قونسلگری افغانستان در یکی از ولایتهای کشور مورد ماموریت وظیفه پیشبرد وظایف کشورش را در همان ولایت دارد نه سرتاسر کشور میزبان.

بهتر است طور مقایسوی وظایف دپلماتیک و قونسلی را در نظر بگیریم :

۱ -- وظایف دپلماتها در ماده سوم کنوانسیون ویانا ذکر شده که بر طبق ان دپلماتها در کشور میزبان وظیفه بهبود روابط اقتصادی ، سیاسی اقتصادی و فرهنگی را دارند ، وظایف دپلماتها درین عرصه محدود نیست ، اما وظایف قونسلها محدود میباشد یعنی قونسل بر طبق کنوانسیون سال ۱۹۶۳ ویانا در یک ساحه معین و محدود در کشور میزبان این وظایف را انجام میدهد.

۲ -- عهد نامه دپلماتیک شکل امری دارد یعنی کشور میزبان حق محدود ساختن وظایف دپلمات را ندارد . اما عهد نامه قونسلی شکل اذنی دارد یعنی دولت میزبان برای قونسل اجازه پیشبرد امور را میدهد ولی برای دپلمات این حق را ندارد .

۳ -- قوانین داخلی دولتهای میزبان بر هئیت دپلماتیک تاثیر ندارد اما در مورد قونسلها این قوانین در هر جا تاثیر گذار میباشد .

۴ -- قلمرو صلاحیت دپلماتها و قونسلها از هم فرق دارد چون دپلمات نماینده دولت خود است در تمام قلمرو کشور میزبان حق اعمال صلاحیت امور کاری اش را دارد اما قونسل صرف در همان ولایت مربوطه کشور میزبان اعمال صلاحیت میکند .

۵ -- وظیفه قونسل حفظ منافع اتباع کشور فرستاده شده در کشور میزبان میباشد مانند امور میراث ، قیمومیت ، امور نکاحنامه ها ، صدور پاسپورت و ویزه در صورت مفقودی یا تمدید ان ، اسناد صحی ، تجارتی و اسناد تعلیمی در ولایت مربوطه کشور میزبان .

۶ -- شناخت در تاسیس روابط دپلماتیک اهمیت دارد مثلاً اگر دولتی دولت دیگر را برسمیت نمی شناسد روابط دپلماتیک برقرار نمیکند اما در تاسیس روابط قونسلی شناخت انقدر اهمیت ندارد .

مصنویت قونسلها عین مصنویت دپلماتها میباشد .

بروی این اصول فرستادن هئیت قونسلی به کشورهای ایران و ترکیه با کدام ممانعت حقوقی مواجه نیست بلکه باعث حل مشکلات پناه گزینان و تجار و سائر افرادی که به ان کشور ها در رفت و آمد هستند میباشد .

درین موارد انانیکه عملاً در عرصه دپلماسی کار کرده اند بهتر و مفصل تر میدانند.

ختم